

(فصل بیست و چهارم)

تبدیل شده با حقیقت

"زندگی انسان فقط بسته به نان نیست بلکه به هر کلمه ای که خدا میفرماید." (متی 4:4 ترجمه انجیل شریف)

"و حال شما را به دست خدا و کلام پر قدرت او می سپارم که قادر است ایمان شما را بنا کند و تمام برکاتی را که مخصوص برگزیدگان اوست، به شما بدهد." (اعمال رسولان 32:20)

حقیقت ما را عوض می کند.

رشد روحانی، روندی است که در آن حقیقت را جایگزین دروغ می کنیم. عیسی مسیح اینچنین دعا کرد: "آنان را در

حقیقت تقدیس کن؛ کلام تو حقیقت است." (یوحنا 17:17)

تقدیس به مکاشفه نیازمند است. روح خدا از کلام خدا استفاده می کند تا ما را شبیه پسر خدا سازد. برای شبیه مسیح شدن، می باید زندگیمان را از کلام خدا پر سازیم. کتاب مقدس می فرماید: "خدا بوسیله کلامش ما را از هر جهت آماده

و مجهز می سازد تا به همه نیکی نماییم." (دوم تیموتائوس 3:17)

هیچ کلامی قابل قیاس با کلام خدا نیست. این کلام زنده است (عبرانیان 12:4؛ اعمال رسولان 38:7؛ اول پطرس 1:23). عیسی مسیح فرمود: "سخنانی که من به شما گفتم، روح و حیات است." (یوحنا 6:63) وقتی خدا سخن می گوید، مسائل عوض می شوند.

تمام خلقت و آنچه در اطراف شماست بخاطر اینکه **"خدا گفت"** بوجود آمد. او با کلام خود آنها را خلق کرد. بدون کلام خدا، شما حتی نمی توانید زنده باشید. یعقوب اشاره می کند که: "او چنین اراده فرمود که ما را با کلام حق تولید کند تا

همچون نویر آفریده های او باشیم." (یعقوب 1:18)

کتاب مقدس خیلی فراتر از یک راهنمای تعلیمی است. کلام خدا زندگی بخش است، باعث ایمان شده، باعث تغییر و تحول می شود، شیطان را به وحشت می اندازد، معجزات می کند، زخمها را شفا می دهد، شخصیت را شکل می بخشد، شادی عطا می کند، بر مصیبت و بدبختی پیروز می شود، وسوسه را شکست می دهد، امید را برمی انگیزاند، قوت جاری می سازد، افکار ما را پاک می کند، و نیستیها را به هستی تبدیل می کند، و ضامن آینده ما برای ابدیت می شود!

ما بدون کلام خدا نمی توانیم زندگی کنیم! **هرگز** وجود آن را بی اهمیت نشمارید. می باید آن را به اندازه خوراک روزانه برای زندگی، اساسی بدانید. ایوب گفت: "از فرمان لبهای وی برگزیدم و سخنان دهان او را زیاده از رزق خود نخیره

کریم." (ایوب 12:23)

کلام خدا خوراک روحانی ای است که برای تحقق هدف خود، باید داشته باشید. کتاب مقدس شیر، نان، غذای مقوی و دسر شیرین ما نامیده شده است. (اول پطرس 2:2؛ متی 4:4؛ اول قرنتیان 3:2؛ مزمور 103:119) این چهار نوع وعده غذا، فهرست خوراک روح ما برای رشد و تقویت روحانی است. پطرس به ما نصیحت می کند که: "همچون نوزادگان،

مشتاق شیر خالص روحانی باشید تا به مدد آن در نجات خود نمو کنید." (اول پطرس 2:2)

ماندن در کلام خدا

امروزه بیش از هر عصری کتاب مقدس به چاپ می رسد، اما کتاب مقدسی که در طاقچه بماند، بی ارزش است. میلیونها ایماندار با بی اشتیاهی روحانی دچار طاعون شده اند و به علت سوء تغذیه روحانی می میرند. برای اینکه شاگرد سالم مسیح باشید، می بایست تغذیه توسط کلام خدا، اولین اولویت شما باشد. عیسی مسیح این کار را **"ماندن"** نامید. او فرمود: "اگر در کلام من بمانید، براستی شاگرد من خواهید بود." (یوحنا 8:31)

ماندن در کلام خدا شامل سه فعالیت در زندگی روزانه می شود:

اول: باید اقتدار کلام خدا را بپذیریم. کتاب مقدس باید تبدیل به معیاری معتبر برای زندگی ما بشود: قطب نمایی که من به آن برای یافتن مقصد تکیه می کنیم، مشورتی که ما به آن برای تصمیم گیریهای حکیمانه گوش می دهیم و محکی که از آن برای ارزیابی همه چیز استفاده می کنیم. کتاب مقدس باید همیشه اولین و آخرین حرف را در زندگی مان بزند. علت بسیاری از مشکلات ما این بوده که، بر اساس تکیه بر قدرتهای توخالی که ذکر می گردد، انتخابهای خود را کرده ایم: فرهنگ (هر کسی این کار را می کند)، سنت (همیشه این کار را می کنیم)، منطق (به نظر منطقی آمد) یا احساس (احساس کردم کار درستی است). همه این چهار انتخابها محکوم به سقوط هستند. آنچه به آن احتیاج داریم معیاری کامل است که ما را به مقصد اشتباهی رهبری نخواهد کرد و تنها کلام خداست که این احتیاج را برآورده می سازد. سلیمان به

ما یادآور می شود: "سخنان خدا تمام پاک و میراست" (امثال سلیمان 5:30) و پولس توضیح می دهد که: "در واقع تمام قسمت های کتاب مقدس را خدا الهام فرموده است. از این جهت، برای ما بسیار مفید می باشد، زیرا کارهای راست را به ما می آموزد، اعمال نادرست را مورد سرزنش قرار می دهد و اصلاح می کند، و ما را بسوی زندگی خدایسندانه هدایت می نماید." (نوم تیموتاؤس 16:3)

بیلی گراهام، در اولین سالهای خدمت خود، دورانی را طی کرد که با شک در مورد صحت و درستی و اقتدار کتاب مقدس، در مبارزه بود. یک شب مهتابی او با گریه به زانو در آمد و این شک خود را به خدا اعتراف کرد. از آن پس با وجود عباراتی پیچیده و غامض که نمی توانست بفهمد، او به کتاب مقدس بعنوان تنها معیار معتبر در زندگی و خدمتش کاملاً اعتماد کرد. از آن روز به بعد، زندگی بیلی گراهام با قدرتی غیرمعمول و مؤثر برکت یافت. مهمترین تصمیمی که امروز می توانید بگیرید این است که معیار نهائی برای زندگی شما چه خواهد بود. امروز تصمیم بگیرید که بدون در نظر گرفتن فرهنگ، سنت، منطق و احساساتتان، کتاب مقدس را بعنوان معیار نهائی انتخاب کنید. وقتی می خواهید تصمیم بگیرید، اول از خود بپرسید: "کتاب مقدس چه می گوید؟" این را برای خود تعیین کنید که وقتی خدا چیزی را به شما می گوید انجام دهید. این کار را بدون در نظر گرفتن اینکه آیا منطقی بنظر می رسد یا نسبت به آن احساس خوبی دارید یا نه انجام دهید، حتماً به کلام خدا اعتماد خواهید کرد. این جمله پولس را برای خود بعنوان تأیید شخصی ایمانتان اقتباس کنید: "به هر آنچه نیز که در تورات و کتب پیامبران نوشته شده، اعتقاد دارم." (اعمال رسولان 14:24)

دوم: من باید حقیقت آن را جذب کنم. تنها ایمان داشتن به کتاب مقدس کافی نیست؛ بلکه بایستی فکر خود را با آن پر کنیم تا روح القدس بتواند ما را توسط حقیقت و راستی، عوض کند. پنج راه برای انجام این کار وجود دارد: 1- می توانی آن را دریافت کنی، 2- بخوانی، 3- تحقیق کنی، 4- به یاد بیاوری و 5- در مورد آن فکر کنی. اول، زمانی کلام خدا را دریافت می کنید که آن را می شنوید و با حالتی پذیرا و باز قبول می کنید. مثال برزگر، این را به زیبایی به تصویر می کشد که چگونه پذیرش ما، تعیین کننده این است که کلام خدا در زندگی ما ریشه بدواند و میوه بیاورد یا بر عکس. مسیح سه حالت غیرپذیرا را مشخص کرد: فکر بسته (زمین سخت)، فکر سطحی (زمین کم عمق)، و فکر پریشان (زمین خاردار) - و پس از آن فرمود: "پس دقت کنید چگونه می شنوید." (لوقا 8:18) هر بار که احساس می کنید چیزی از موعظه یا معلم کتاب مقدس یاد نمی گیرید، می بایست حالت خود را مخصوصاً در رابطه با غرور بازنگری کنید، چون وقتی شما فروتن و پذیرا هستید، خدا می تواند حتی توسط خسته کننده ترین معلم با قلب شما صحبت کند. یعقوب نصیحت می کند: "با فروتنی کلام خدا را که در دلتان کاشته شده است، ببینید، زیرا این کلام قدرت دارد جانهای شما را نجات بخشد." (یعقوب 21:1)

دوم، در قسمت اعظم تاریخ دو هزارساله کلیسا، فقط کشیشان اجازه داشتند شخصاً کتاب مقدس را بخوانند، اما امروزه میلیاردها نفر به آن دسترسی دارند. ولی با این وجود، بسیاری از ایمانداران بیشتر در خواندن روزنامه های روز وفاداری نشان می دهند تا کتاب مقدس، و به این علت تعجب ندارد که رشد نمی کنیم. ما نمی توانیم انتظار داشته باشیم که با سه ساعت تلویزیون نگاه کردن و پس از آن سه دقیقه کتاب مقدس خواندن، رشد کنیم. بسیاری از افراد که ادعا می کنند به کتاب مقدس از اول تا آخر ایمان دارند، هرگز آن را از اول تا آخر نخوانده اند. ولی اگر کتاب مقدس را هر روز برای 15 دقیقه بخوانید، هر سال یکبار تمام کتاب مقدس را خواهید خواند. اگر نیم ساعت از تماشای برنامه تلویزیون را از برنامه روزانه تان حذف کنید و بجای آن کتاب مقدس را بخوانید، آنگاه می توانید آن را دو بار در طی سال بخوانید.

خواندن روزانه کتاب مقدس شما را در دسترس صدای خدا قرار خواهد داد و به این علت خدا به پادشاهان اسرائیل تعلیم داد که همیشه نسخه ای از کلام خدا را در کنارشان داشته باشند: "او باید این رونوشت قوانین را نزد خود نگهدارد و در تمام روزهای عمرش آن را مطالعه کند تا یاد بگیرد خداوند، خدایش را احترام کند و دستورات و قوانین او را اطاعت نماید." (تثنیه 17:19) ولی بیاد داشته باشید که کتاب مقدس را فقط کنار خود نگه ندارید، بلکه مرتباً آن را بخوانید! یک وسیله ساده که برای نیل به این هدف مفید است، یک برنامه روزانه خواندن کتاب مقدس است. این از جست و خیز کردن شما در اطراف کتاب مقدس و چشم پوشی از بعضی قسمتهای آن بطور دلخواه جلوگیری خواهد کرد. اگر نسخه ای از برنامه خواندن کتاب مقدس شخصی مرا بخواهید می توانید ضمیمه 2 را ببینید.

سوم، تحقیق، یا مطالعه کتاب مقدس روش عملی دیگری است برای ماندن در کلام خدا. تفاوت بین خواندن و مطالعه کلام خدا شامل دو فعالیت است که به خواندن اضافه می شود: سوالاتی از متن کردن و برداشت خود را نوشتن. بدون نوشتن افکارتان بر کاغذ یا در رایانه نمی توانید واقعاً مطالعه ای انجام داده باشید.

نداشتن فضای کافی در این کتاب به من اجازه این را نمی دهد که روشهای متفاوت مطالعه کتاب مقدس را برای شما تشریح کنم. کتابهای مفید زیادی برای روشهای مطالعه کتاب مقدس در دسترس است که یکی از آنها را من بیست سال پیش نوشته ام. راز مطالعه خوب کتاب مقدس در این است که یاد بگیریم سوالات درستی بکنیم. روشهای متفاوت، از سؤالاتی مختلفی استفاده می کنند. با سوالاتی ساده از قبیل چه کسی؟ چه چیز؟ کی؟ کجا؟ چرا؟ و چطور؟ می توانید خیلی چیزها را کشف کنید. کتاب مقدس می فرماید: "اما کسی که به کلام خدا که قانون کامل آزادی بشر است، توجه

داشته باشد، نه تنها آن را همیشه بخاطر خواهد داشت، بلکه به دستور ازش نیز عمل خواهد کرد، و خدا عمل او را برکت خواهد داد." (یعقوب 1:25)

چهارمین راه برای ماندن در کلام خدا، **حفظ کردن** آن است. ظرفیتی که شما برای حفظ کردن دارید، یک هدیه خدادادی است. شاید فکر کنید که حافظه ضعیفی دارید، اما حقیقت این است که، شما میلیونها نظریه، حقیقت، واقعه و شکل را حفظ کرده اید. آنچه برای شما **مهم** است آن را از بر می کنید و در خاطر خود نگه می دارید. اگر کلام خدا برای شما مهم است، همین کافی خواهد بود تا آن را حفظ کنید.

فوایدی عالی در حفظ کردن آیات کتاب مقدس وجود دارد. این کار به شما کمک خواهد کرد تا در برابر وسوسه ها ایستادگی کنید، تصمیمات حکیمانه بگیرید، از نگرانی و اضطراب بکاهید، اعتماد شما بنا شده، مشورت های خوب خواهید داد و بخوبی ایماننان را با دیگران در میان خواهید گذاشت. (مزمور 11:119؛ 105:119؛ 49:50؛ 16:15؛ امثال 18:22؛ اول پطرس 3:15)

حافظه شما مثل یک ماهیچه است. هر چه بیشتر از آن استفاده کنید، قویتر شده و حفظ آیه های کتاب مقدس برایتان آسانتر خواهد شد. شما می توانید چند آیه کلام خدا را از این کتاب، که شما را لمس کرده انتخاب کنید و روی یک کارت کوچک بنویسید و همراه خود داشته باشید. بعد از آن، شروع کنید به مرور کردن آن با **صدای بلند** در طی روز. آیات کتاب مقدس را می توانید در هر جایی حفظ کنید: موقع کار، ورزش، رانندگی، در صف یا موقع آماده شدن برای خوابیدن. سه کلید حفظ کردن آیه ها عبارتند از: تکرار، تکرار، تکرار! کتاب مقدس می فرماید: **"کلام و تعالیم مسیح را به یاد آورید و بگذارید سخنان او زندگی تان را بارور سازد و شما را حکمت آموزد."** (کولسیان 3:16 الف)

پنجمین راه ماندن در کلام خدا، **فکر کردن** در مورد آن است که کتاب مقدس آن را "تفکر" می نامد. ایده تفکر این تصویر را برای بسیاری زنده می کند که فکر خود را در حالت خنثی قرار دهی و بگذاری سرگردان شود. این دقیقاً بر عکس تفکر کتاب مقدسی است. تفکر یعنی فکر کردن **متمرکز**، و این کار تلاش جدی می خواهد. آیه ای را انتخاب می کنید و در مورد آن در فکرتان بارها و بارها تفکر می کنید.

همانطور که در فصل یازده اشاره کردم، اگر می دانید چطور غصه بخورید پس می دانید که چطور تفکر نیز بکنید. غصه فکر متمرکز بر روی مسئله ای منفی است. تفکر همان کار را انجام می دهد، اما بجای مشکلناتن بر کلام خدا متمرکز است.

هیچ عادت دیگری به اندازه تفکر روزانه در کلام نمی تواند زندگی شما را تبدیل کند و شما را بیشتر شبیه مسیح بسازد. در حالیکه به اندیشیدن در مورد حقیقت خدا وقت می دهیم و با جدیت بر نمونه مسیح تفکر می کنیم: **"به صورت همان تصویر، از جلال به جلالی فزونتر دگرگون می شویم."** (دوم قرنتیان 3:18)

اگر به همه دفاعاتی که خدا در مورد تفکر در کتاب مقدس سخن می گوید توجه کنید، در مورد فوایدی که او به کسانی که وقت خود را صرف تفکر در کلام خدا در طی روز می کنند، وعده داده در عجب خواهید ماند.

یکی از دلالتی که خدا داود را **"دلخواه خویش"** (اعمال رسولان 22:13) نامید این است که داود دوست داشت در کلام خدا تفکر کند. او گفت: **"خداوند، کلام تو را جقدر دوست دارم! تمام روز در آن تفکر می کنم."** (مزمور 97:119) تفکر جدی در حقیقت خدا کلید دعای جواب داده شده و رمز زندگی موفق است (یوحنا 7:15؛ یوشع 8:1؛ مزمور 1:3-2).

سوم: من باید به قواعد آن عمل کنم. اگر به کلام خدا عمل نکنیم؛ دریافت، خواندن، تحقیق، از بر کردن، و تفکر در کلام بی فایده خواهد بود. ما باید تبدیل به **"کنندگان کلام"** (یعقوب 1:22) شویم و این سخت ترین قدم است، چون شیطان شدیداً با آن مبارزه می کند. تا زمانی که به آنچه یاد می گیرید عمل نمی کنید، شیطان کاری با مطالعه کتاب مقدس شما ندارد. با این برداشت که فقط بخاطر اینکه کلام خدا را خوانده ایم یا حقیقتی را مطالعه کرده ایم، آن را جذب کرده ایم خود را گول می زنیم. در واقع می توانید آنقدر خود را مشغول رفتن به کلاس یا سمینار بعدی یا کنفرانس کتاب مقدس بکنید که وقتی برای پیاده کردن و به اجراء در آوردن آنچه یاد گرفته اید، نداشته باشید. در راه حرکت به طرف مطالعه بعدیتان آن را فراموش می کنید. بدون عمل به کلام خدا، تمام مطالعات کتاب مقدسی ما بی ارزش است. عیسی مسیح فرمود: **"پس هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل کند، همچون مرد دانایی است که خانه خود را بر سنگ بنا کرد."** (متی 24:7) عیسی مسیح همچنین اشاره کرد که برکت خدا با اطاعت از راستی می آید و نه فقط دانستن آن. او فرمود: **"اکنون که اینها را می دانید، خوشا به حالتان اگر بدانها عمل کنید."** (یوحنا 13:17)

دلیل دیگری که از بکارگیری شخصی کلام خدا باز می ایستیم این است که شاید مشکل یا حتی دردناک باشد. حقیقت شما را آزاد خواهد کرد، اما ممکن است قبل از آن، احساس بیچارگی و تیره روزی کنید! کلام خدا انگیزه های ما را افشاء می کند، به اشتباهات ما اشاره کرده، گناه ما را توبیخ می کند، و از ما انتظار دارد عوض شویم. این طبیعت انسان است که با تغییر و تبدیل مقاومت کند و به این علت عمل به کلام خدا کار طاقت فرسایی است. به این علت خیلی مهم است که بکارگیری شخصی خودتان از کلام خدا را با دیگر مردم مطرح کنید.

اگر از اهمیت غیر قابل وصف بودن در گروه کوچک مطالعه کتاب مقدس سخن گویم، گزافه گویی نکرده ام. ما از دیگران حقایقی را یاد می گیریم که در تنهایی هرگز نمی توانستیم یاد بگیریم. دیگران به شما کمک خواهند کرد تا ببینشی

بدست آورید که امکان داشت از نبودن با آنها از دست می دادید و آنها کمکتان می کنند تا حقیقت خدا را به طریقی عملی بکار گیرید.

بهترین راه "کننده کلام" شدن این است که همیشه یک قدم عملی پس از خواندن یا مطالعه یا تفکر در کلام را، یادداشت کنید. این عادت نوشتن آنچه را که دقیقاً تصمیم گرفته اید انجام دهید را، در خود توسعه دهید. این قدم عملی می باید شخصی (یعنی مربوط به شما)، عملی (کاری که می توانید انجام دهید)، و قابل اثبات (با ضرب العجل یا فرجه ای برای انجام دادن آن) باشد. هر کاربرد عملی، مربوط به رابطه شما با خدا یا رابطه تان با دیگران و یا شخصیت شما خواهد بود.

قبل از اینکه فصل آینده را بخوانید، زمانی را به تفکر در مورد این سؤال بگذرانید: چه چیزی را خدا قبلاً" به شما در کلامش گفته تا انجام دهید و شما هنوز شروع به انجام دادن آن نکرده اید؟ بعد چند جمله عملی بنویسید که به شما کمک خواهد کرد تا آنچه را که می دانید، عمل کنید. شاید بخواهید به دوستی در این باره بگویید تا شما نسبت به او پاسخگو باشید. همانطور که دی ال مودی گفت: "کتاب مقدس به ما داده نشده که دانش ما را افزایش دهد، بلکه زندگیهای ما را عوض کند."

نکته مورد توجه: حقیقت مرا تبدیل می کند.

آیه حفظی: "اگر شما در کلام من بمانید، فی الحقیقه شاگرد من خواهید شد، و حق را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد." (یوحنا 8: 31-32)

سوالی که باید از خود بکنید: خدا چه چیزی را قبلاً" در کلامش به من گفته که من هنوز شروع به عمل کردن به آن نکرده ام؟